



فهرست مطالب

۲	..... مقدمه
۲	..... داوری میان قول مشهور متقدمین و قول مشهور متأخرین
۲	..... نظام منطقی تحلیل مفهومی در مفاهیم ماهوی
۳	..... عدم جریان تحلیل مفهومی در مفاهیم اعتباری و معقولات ثانویه
۳	..... نظر استاد: وجود نوعی تحلیل مفهومی در نوع دوم و سوم
۳	..... نظر استاد: عدم مخالفت نظریه مشهور متقدمین و مشهور متأخرین
۴	..... بررسی نظریه آقای خویی در مدلول صیغه نهی
۴	..... نقد نظریه آقای خویی
۴	..... اشکال اول: مخالف با تبادل
۵	..... اشکال دوم: وضعی بودن اوامر و نواهی لازمه این نظریه
۵	..... نظر استاد: پذیرش این نظریه در ذیل جمع دو نظریه گذشته



بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه

بحث در مفاد و مدلول هیئت و صیغه نهی بود که در جلسات قبل سه نظریه مطرح شد که عمده اقوال نظریه اول و سوم بود. طبق نظریه اول که نظر مشهور متقدمین است، مدلول صیغه نهی طلب ترک می‌باشد و طبق نظریه سوم که نظریه مشهور متأخرین است، مدلول صیغه نهی زجر و منع اعتباری می‌باشد.

## داوری میان قول مشهور متقدمین و قول مشهور متأخرین

اشکالات و مناقشات بر قول اول که قول مشهور متقدمین بود، مطرح و پاسخ داده شد همچنین بیان شد که مهم‌ترین دلیل قول سوم که قول مشهور متأخرین می‌باشد، تبادر می‌باشد. بعد از بیان این مطالب، بحث فعلی ما در داوری بین این دو نظریه بر اساس مقدماتی که ذکر می‌شود، است.

## نظام منطقی تحلیل مفهومی در مفاهیم ماهوی

در منطق ارسطویی و به تبع آن در منطق اسلامی، معقولات اولیه فلسفی و به تعبیری دیگر مفاهیم ماهوی که از انواع اخذ می‌شوند مانند انسان که یک مفهوم ماهوی است، به جنس و فصل تحلیل می‌شود. در مرتبه دوم نیز جنس که مرکب می‌باشد به جنس و فصل دیگری تحلیل می‌شود اما فصل در همه مراحل و مراتب تحلیل بسیط می‌باشد و در مراتب بعدی این تحلیل‌ها ادامه دارد تا در نهایت به اجناس عالی که از آن‌ها به مقولات عشر تعبیر می‌شود، برسد. نتیجه این تحلیل‌ها این است که یک نوع دارای اجناس قریب و متوسط و بعید می‌باشد. این نظام تحلیلی که در منطق ارسطویی برای معقولات اولی و به تعبیر دیگر برای مفاهیم ماهوی ذکر شده است، نظام تحلیلی متقنی می‌باشد که علی‌رغم همه مخالفت‌هایی که با منطق ارسطویی شده است، جایگزینی برای آن ذکر نشده است. این تحلیل ذهنی که از این مفاهیم می‌شود بی‌ارتباط با خارج نیست و به همین جهت است که اگر جنس و فصل را به شرط لا ملاحظه شود از آن به ماده و صورت تعبیر می‌شود و ماده و صورت اگر لا به شرط ملاحظه شود از آن به جنس و فصل تعبیر می‌شود. ماده و صورت شکل خارجی جنس و فصل می‌باشند و جنس و فصل انعکاس ذهنی ماده و صورت می‌باشند.



## عدم جریان تحلیل مفهومی در مفاهیم اعتباری و معقولات ثانویه

علاوه بر معقولات اولیه فلسفی که دارای مصداق می‌باشند دو نوع مفاهیم دیگر نیز وجود دارد که یکی مفاهیم ثانویه فلسفی است که ماباء خارج ندارد اما دارای منشأ انتزاع می‌باشند مانند امکان، وجوب، علیت، حدوث و قدم و دیگری مفاهیم اعتباری است که نه دارای مصداق می‌باشد و نه یک منشأ انتزاع دارند بلکه مفاهیمی هستند که بر اساس مصالح و ملاکات در نظام‌های فقهی و حقوقی اعتبار می‌شوند مانند ملکیت و زوجیت. طبق نظر مشهور نظام تحلیل مفهومی که برای مفاهیم ماهوی و معقولات اولیه ذکر شد، در مفاهیم اعتباری و معقولات ثانویه جریان ندارد.

## نظر استاد: وجود نوعی تحلیل مفهومی در نوع دوم و سوم

به نظر ما هر چند نظام تحلیلی جنس و فصل در مفاهیم اعتباری و معقولات ثانویه فلسفی وجود ندارد اما تحلیلی شبیه به آن، می‌توان در مفاهیم اعتباری و معقولات ثانویه قائل شد و در تحلیل‌های ذهنی با تحلیل آن مفاهیم به مفاهیم دیگری پی برد و این نوع تحلیل‌ها نه تنها هیچ منعی ندارد بلکه واقعیت‌های تحلیل‌های ذهنی اقتضای آن را هم دارد و نمونه‌هایی از آن هم وجود دارد. این سخن دارای ریشه‌هایی در کلام فلاسفه می‌باشد مانند آنچه در تقسیم مفاهیمی مانند امکان و وجوب ذکر می‌شود که ابتدا مفهوم مشترکی ذکر می‌شود سپس با ذکر فصلی آن‌ها را از هم جدا می‌کنند. این مطلب نشان‌دهنده این است که نوعی تحلیل مفهومی در این نوع مفاهیم وجود دارد.

## نظر استاد: عدم مخالفت نظریه مشهور متقدمین و مشهور متأخرین

با توجه به مقدماتی که ذکر شد هم در اوامر و هم در نواهی نظریه اول و سوم در مدلول صیغه و هیئت امر و نهی با یکدیگر تفاوتی ندارند. در بحث اوامر اشاره شد که هر چند در مرحله اول متبادر از صیغه امر بعث می‌باشد اما وقتی در مفهوم بعث دقت شود و آن را تحلیل کنیم به این نتیجه می‌رسیم که بعث همان طلب به ایجاد فعل است و اگر باز هم دقت شود متوجه می‌شویم در امر اولاً جواز وجود دارد یعنی منع در آن نیست ثانیاً این جواز همراه با طلب ایجاد می‌باشد و چه بسا اگر بیشتر دقت شود، مفاهیم دیگری هم در تحلیل بعث و امر وجود داشته باشد. عین این مطلب در نواهی هم صادق است یعنی آنچه مشهور متقدمین می‌گویند با آنچه مشهور متقدمین می‌گویند منافاتی ندارد و هر دو درست است منتها در مراتب مختلف. در مرحله اول آنچه متبادر از صیغه و هیئت نهی می‌باشد این است که مدلول صیغه نهی زجر و منع می‌باشد، وقتی این زجر و منع تحلیل شود متوجه می‌شویم که در آن طلب وجود دارد و از این جهت با



امر مشترک است منتها متعلق طلب در صیغه نهی ترک می‌باشد ولی متعلق آن در صیغه امر ایجاد می‌باشد. پس هر چند جنس و فصل در این مفاهیم وجود ندارد اما چیزی به منزله جنس و فصل در این مفاهیم وجود دارد. پس نتیجه این شد که نظریه متقدمین و متأخرین منافاتی باهم ندارند و هر دو درست می‌باشد منتها هر کدام به مرتبه‌ای از تحلیل مفهومی صیغه نهی، اشاره کرده‌اند.

## بررسی نظریه آقای خویی در مدلول صیغه نهی

نظریه آقای خویی در مدلول و موضوع له صیغه نهی این است که مدلول صیغه نهی اعتبار ترک بر ذمه مکلف می‌باشد. نظریه آقای خویی در این بحث مرتبط با نظریه ایشان در حقیقت وضع می‌باشد که ایشان حقیقت وضع را تعهد می‌دانند. این نظریه در حقیقت وضع، به غیر این ایشان قائلی هم دارد اما در باب مدلول صیغه نهی ایشان در نظریه خود منفرد می‌باشند و حتی از بین شاگردان ایشان هم قائلی بر این مطلب وجود ندارد.

## نقد نظریه آقای خویی

در نقد نظریه آقای خویی دو اشکال بر این نظریه وارد شده است که عمده آن و اشکال اصلی، اشکال اول می‌باشد.

### اشکال اول: مخالف با تبادل

اشکال اولی که به نظریه آقای خویی وارد شده است این است که این نظریه مخالف تبادل می‌باشد و آنچه متبادر به ذهن است، زجر و منع در صیغه نهی است و اصلاً وضع و اعتبار ترک بر عهده مکلف به ذهن خطور نمی‌کند آری این اعتبار ترک بر عهده مکلف از لوازم منع و زجر و یا در صیغه امر اعتبار انجام فعل بر عهده مکلف از لوازم بعث می‌باشد که وقتی منع و زجر و یا بعث تحلیل شود و دقت شود به یک سری مفاهیمی که مقوم آن معنا باشد مانند طلب و همچنین به یک سری مفاهیمی که لازم آن معنا باشد، می‌رسیم. پس آنچه آقای خویی ذکر کرده‌اند مدلول صیغه نهی نیست بلکه لازم آن می‌باشد.



## اشکال دوم: وضعی بودن اوامر و نواهی لازمه این نظریه

اشکال دیگری که به نظریه آقای خویی وارد می‌باشد این است که لازمه نظریه ایشان که وضع علی العهده می‌باشد، این است که اوامر و نواهی چیزی نزدیک به احکام وضعی باشند درحالی‌که در ارتکازات بین احکام وضعی و احکام تکلیفی تفاوت وجود دارد. البته این اشکال در حد یک شاهد می‌باشد و اشکال اساسی همان اشکال اول می‌باشد.

## نظر استاد: پذیرش این نظریه در ذیل جمع دو نظریه گذشته

هرچند اشکالات نظریه آقای خویی مطرح شد اما به نظر ما با توجه به نظام تحلیلی که در مفاهیم اعتباری ترسیم شد و دو نظریه قبل بر اساس آن تحلیل، جمع شد، منعی ندارد که این نظریه هم در ذیل آن تحلیل مفهومی پذیرفته شود و بگوییم طلب ترک به نوعی جعل و وضع ترک فعل بر عهده مکلف می‌باشد.